

سیر در زبان فار امروز

منیژه مشیری

دکترای زبان و ادب فارسی

چکیده

این نوشتار، شامل مقدمه کوتاهی درباره تغییراتی است که به طور تدریجی در طول زمان در زبان‌های طبیعی بشری - و بنا به علل مختلفی - ایجاد می‌شود. این تغییرات در همه جنبه‌های زبان ایجاد می‌شوند که برجسته‌ترین آن‌ها در واژگان زبان است. در مرحله بعد، به ذکر چند نوع از تغییراتی که به طور معمول ممکن است در واژگان زبان‌ها پیش آید، پرداخته می‌شود. هدف اصلی این نوشتار بررسی تغییرات واژگانی از نوع «قرض گرفتن» از زبان‌های دیگر در فارسی امروز و نگاهی به آینده این رویکرد است.

کلیدواژه‌ها: زبان، تغییرات، واژگان، وام واژه.

زبان چیست؟

زبان وسیله‌ای برای تعامل انسان‌ها با یکدیگر و هویت یک جامعه و یکی از مؤلفه‌های فرهنگ آن است. به وسیله زبان است که فرهنگ از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. در طول زمان، در زبان یک جامعه تغییراتی ایجاد می‌شود. این تحولات چون اغلب به تدریج صورت می‌گیرند، گویشوران آن زبان به طور معمول پس از گذشت یک قرن یا بیشتر، آن‌ها را حس می‌کنند. چند عامل می‌توانند سبب این تغییرات باشند. این تغییرات ممکن است در تمام جنبه‌های زبان از جمله آواها و تلفظ آن زبان، در ساختار دستوری یا در واژه‌ها و کاربرد آن‌ها روی دهند. از این سه زمینه، تغییرات واژگانی قابل توجه‌ترین است (Falk, p. ۵۰). بررسی تحولات یک واژه در یک زبان، نیاز به مشخص کردن آغاز کاربردش در آن زبان و ردیابی تحولات آن در طول تاریخ دارد. این شاخه از علم را «ریشه‌شناسی» (etymology) می‌گویند.

تغییرات در یک زبان ممکن است از دو زاویه بررسی شوند: یکی تجویزی و دیگری توصیفی (Yule pp. ۸۴، ۸۵). در بررسی تجویزی، به غلط یا درست بودن این تغییرات پرداخته می‌شود و هدف از این نوع بررسی، جلوگیری از رایج شدن کاربردهای نادرست در زمینه‌های واژگان، تلفظ و دستور زبان است. اما دومی که بررسی توصیفی است، فقط به توصیف رویکرد تغییر در زبان

می‌پردازد و درباره آن تغییرها داوری نمی‌کند. زبان‌شناسی از این زاویه به تغییرات زبانی می‌نگرد و بر این اساس، آن را از جنبه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و قوم‌شناسی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد.

همان‌طور که گفته شد، از میان تغییرات تدریجی در یک زبان، تغییرات در واژگان از همه چشمگیرتر است. در زبان فارسی «معیار» امروز نیز تغییرات واژگانی بدون توقف و با شتاب فزاینده‌ای در جریان است. اینک به بررسی چند نوع از تغییرات واژگانی در زبان‌ها پرداخته و مثال‌هایی برای آن‌ها از زبان فارسی امروز ارائه می‌شود.

انواع تغییرات در واژگان یک زبان

به‌طور کلی، به دو طریق در مجموعه واژگان یک زبان تغییر حاصل می‌شود:

الف. واژه‌ای بنا بر دلایلی منسوخ می‌شود و در آن زبان کاربردش را از دست می‌دهد؛ مثال واژه «آب حوضی» که بسامد آن نزد مردم شهرنشین ایران نزدیک به صفر رسیده است. دلیل این امر منسوخ شدن آن رفتار اجتماعی است که به این شغل مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، اکنون با رایج شدن آپارتمان‌نشینی دیگر به سبک قدیم حوضی در میان حیاط خانه‌ها نیست که شخصی به نام «آب حوضی» آب آن را بکشد، حوض را تمیز کند و از آب جاری در جوی کوچه دوباره آن را آب بیندازد و مزد بگیرد. واژه‌های دیگری مانند «مسگری» (۱)، «خوانچه» (۲) و امثال آن در این مقوله قرار می‌گیرند.

ب. به مجموعه واژگان یک زبان، بر اثر عوامل چندی واژه‌هایی جدید اضافه می‌شود که در زیر، چند مورد آن‌ها معرفی می‌شوند. ✓ ممکن است به یک زبان واژه‌هایی از زبان‌های دیگر وارد شوند که به این عمل «قرض گرفتن» (borrowing) و به آن واژه قرض گرفته شده «وام واژه» (loan word) می‌گویند. (Falk, p. ۵۰؛ Yule, p. ۵۴؛ Hudson, p. ۵۸)، و امثال آن‌ها در فارسی امروز از این قبیل‌اند. همچنین می‌توان به وام واژه‌هایی عربی مانند

«انتحال»، «لامحاله»، «لادری»، «حتی‌الامکان»، «طوعاً و کرهاً» و وام‌واژه‌هایی از زبان فرانسوی مانند رستوران، نوول (novel)، و همچنین واژه‌های ترکی اشاره کرد.

✓ گاهی واژه‌های بدون پیشینه قبلی در زبان ساخته و ابداع می‌شود؛ برای مثال، واژه «ایانه» برای کامپیوتر ابداع شده است. ممکن است یک واژه ابداع شده ابتدا مورد استفاده گروه خاصی از افراد جامعه قرار گیرد ولی به تدریج، کاربرد آن فراگیر شود. واژه‌های کوچکی بازاری «شاسکول» به معنی آدم ناپهنجار و بدخواه «اسکول» به معنی بی‌مخ و کم‌هوش و ساده‌لوح، نوع دیگر ابداع می‌باشند. یکی از علل رواج این نوع واژه‌ها، در زبان فارسی امروز، در میان کودکان، نوجوانان و جوانان، تقلید از بعضی از شخصیت‌های فیلم‌های سینمایی یا تلویزیونی، فیلم‌های کارتون و نوشته‌های بعضی از نویسندگان و افراد معروف و محبوب جامعه است.

نام‌گذاری چیزی با اسم مخترع آن (مانند «وات» و «ولت») یا شخص آغازگر آن (مانند «ساندویچ» یا شهری که آن چیز ابتدا در آن رواج داشته است (مانند همبرگر) شاخه دیگری از ابداع است. گاهی افراد جامعه نام یک شرکت تولیدی را روی محصول آن می‌گذارند و محصولات بعدی مشابه آن را هم به همان اسم اولیه می‌نامند؛ واژه‌هایی مانند کلینکس، تایید و ریکا از این قبیل‌اند.

✓ ممکن است برای بیان یک معنی جدید از ترکیب دو واژه (compounding) استفاده شود؛ مانند واژه «دست‌ساز»، «پیش‌ساخته»، «یک‌بار مصرف»، «کم‌مصرف»، «دست‌بافت»، «بازیافت» و امثال آن‌ها.

✓ ممکن است به مرور زمان یک واژه با معنی جدیدی به کار برده شود؛ مثل واژه «متواری» که

در اصل معنی «پنهان» می‌داده است ولی امروزه مردم آن را به معنی «فراری» می‌گیرند یا واژه «دولت» که در اصل به معنی بخت و اقبال به کار می‌رفته ولی امروزه به معنی مسئولان قوه مجریه است.

✓ نوع دیگر واژه‌سازی ساختن واژه اختصاری (acronym) است که با در کنار هم قرار دادن حروف اول چند واژه انجام می‌شود. واژه «نزاجا» (نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران)، «ناجا» (نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران)، «محک» (مؤسسه حمایت از کودکان سرطانی) نمونه‌هایی از این نوع واژه‌سازی هستند.

✓ روش دیگر برای گسترش واژگان یک زبان «ترجمه قرضی» (loan translation) است. در این روش، به جای استفاده از عین واژه بیگانه، آن واژه را به زبان مقصد ترجمه می‌کنند. واژه «آسمان‌خراش» در فارسی ترجمه دقیق واژه (skyscraper) انگلیسی است.

وام‌واژه‌ها و فارسی امروز

زبان‌ها تصادفی از یکدیگر واژه قرض نمی‌گیرند (Falk, p50) بلکه

این امر تابع شرایط ویژه‌ای است. ردیابی تاریخ قرض گرفته شدن یک وام‌واژه، مستلزم ردیابی تاریخ آن مردم، جای سکونت آنان، فتوحات و شکست‌هایشان، نحوه داد و ستدشان، تاریخ اندیشه و دین‌شان و نحوه توسعه جامعه آن‌هاست. از این‌رو زبان‌شناسی با تاریخ پیوند نزدیکی دارد. بدین ترتیب، گزارش زبان‌شناس از یک وام‌واژه می‌تواند فرضیه مورخ را تأیید کند، توصیف مورخ از تماس بین ملت‌ها، زبان‌شناس را به منابع قرض‌گیری واژه رهنمون شود. مردم‌شناس نیز البته در این موارد با زبان‌شناس و مورخ سهیم است. به عبارت دیگر، قرض گرفتن فقط یک پدیده زبانی نیست بلکه دربردارنده جنبه‌های مختلف فرهنگ یک ملت می‌باشد. همسایه بودن و تماس یا تعامل بین دو ملت شرط لازم، ولی نه به‌طور مطلق کافی، برای قرض گرفتن واژه است. باید توجه داشت که الزام به قرض‌گیری واژگان دلیل زبان‌شناختی ندارد بلکه مبنایش اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است (Falk, p53).

وقتی زبانی واژه‌ای را از زبان دیگری وام می‌گیرد، آن واژه نه به‌صورت اولیه بلکه تحت تأثیر نظام آوایی زبان وام‌گیرنده و طبق آن تلفظ می‌شود؛ مثل وام‌واژه «استاندارد» که تحت ساختار آوایی فارسی درآمده است و فارسی‌زبانان به اول آن «ا» اضافه می‌کنند.

وقتی زمان زیادی از قرض گرفتن واژه‌ای در زبانی بگذرد، قرضی بودن آن نزد گویشوران آن زبان قابل تشخیص نیست.

ردیابی تاریخ قرض گرفته شدن یک وام‌واژه، مستلزم ردیابی تاریخ آن مردم، جای سکونت آنان، فتوحات و شکست‌هایشان، نحوه داد و ستدشان، تاریخ اندیشه و دین‌شان و نحوه توسعه جامعه آن‌هاست

فارسی‌زبانانی را که از واژه‌ها استفاده می‌کنند، به سه گروه می‌توان تقسیم کرد:

الف. یک گروه آن‌هایی که طرف گفت‌وگویشان همکار خودشان است؛ مانند صاحبان شغل‌های پزشکی و رشته‌های وابسته به آن‌ها، مهندسان رشته‌های مختلف، هنرمندان، ورزشکاران و امثال آن‌ها که وقتی در مورد زمینه‌های شغلی خود با همکارانشان گفت‌وگو می‌کنند - اگر هم معادلی برای واژه تخصصی آن‌ها در فارسی وضع شده باشد، ترجیح می‌دهند از واژه خارجی برای سهولت در تفهیم و تفاهم استفاده کنند. در این موقعیت‌ها مخاطب فرد هم رشته اوست. برای مثال، پزشکی که در بیمارستان شرح حال یک بیمار را برای پزشک دیگر توضیح می‌دهد، به‌طور معمول از واژگان خارجی پزشکی استفاده می‌کند. طبیعی است اگر افراد عادی از این صحبت‌ها مطلب زیادی دستگیرشان نشود. ب. گروه دیگر مخاطبشان قشرهای مختلف جامعه است. در این گروه، رسانه‌ها و صاحبان آرایشگاه‌ها، هتل‌ها، رستوران‌ها، لباس‌فروشی‌ها و امثال آن‌ها قرار می‌گیرند. ج. گروه آخر را همه افراد جامعه تشکیل می‌دهند که در گفت‌وگوی روزمره خود از واژه‌های خارجی استفاده می‌کنند.

ادامه مطلب در وبگاه نشریه....